

در «شب وطن یولی» از سلسله شب‌های بخارا با همت مجله بخارا بررسی شد

مدافعان سرسخت هویت ایرانی



«شب وطن یولی» از سلسله شب‌های بخارا با همت مجله بخارا عصر دوشنبه ۱۴ شهریور در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست که با سخنرانی و اجرای علی دهباشی و به مناسبت انتشار پنجاهمین شماره ماهنامه وطن یولی برگزار شد، حسن انوری و دکتر علی اشرف صادقی، دو عضو بیوسه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و حمید احمدی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، مسعود عرفانیان پژوهشگر و داود دشتبانی صاحب امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه وطن یولی به سخنرانی پرداختند و پیام تصویری دکتر ژاله آموزگار، استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران نیز در مراسم پخش شد. اجرای عاشیق آذربایجانی قدرت میرزابور و حسعلی میرزابور و شاهنامه‌خوانی زمرد یزدانی از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

داود دشتبانی در ابتدای این مراسم گفت: مردم آذربایجان نیز به آزمون تاریخ و نتایج نظرسنجی‌های علمی، ایران‌دوست‌ترین ایرانیان بوده و هستند اما گروهی اندک ولی پرهیاهو به مدد و کمک برخی مسئولان و نجیبان و ان‌شاءالله ناساگاه، چهره ما مردم آذربایجان را مقابل دیده‌جهانیان به قوم‌پرستی و دیگرستیزی آلوده است و وطن‌یولی صدای رسای آذربایجان است که گاهی از کلوی ستارخان، گاهی استاد شهریار و شهید غفور جدی‌اردبیلی برآمده است.

دشتبانی افزود: آذربایجان امروزه دچار دروغ و دشمنی است. از ابتدای تاریخ ایران، مردم آذربایجان میهن‌پرست‌ترین ایرانیان و مدافع سرسخت هویت ایرانی بوده‌اند و امروزه نیز با دروغ و دشمن در جنگ‌اند. بی‌دلیل نیست که آذربایجان را سر ایران نامیده‌اند و دشمن هم اگر بخواهد حمله کند، سر را نشانه می‌گیرد. اگر بخواهند ایران، میهن عزیز ما را از پای درآورند، باید میهن‌پرست‌ترین ایرانیان و سر ایران را نشانه بگیرند و البته آذربایجان مقابل اسکندر، اعراب، مغول و ترک‌های عثمانی و روس‌ها دژ تسخیرناپذیر بوده و از این آزمون هم با سربلندی بیرون خواهد آمد؛ چراکه ما آذربایجانی‌ها «اگر سر به سر تن به کشتن دهیم/ از آن به که کشور به دشمن دهیم».

حسن انوری، عضو بیوسه فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اظهار کرد: حدود ۹۰ سال پیش در یک دهکده دورافتاده‌ای از آذربایجان متولد شدم و آن دهکده اکنون تبدیل به شهر شده است. من جهان را با زبان ترکی شناختم. مادرم در چهار، پنج سالگی مقدار زیادی از ادبیات ترکی و از متل‌های ترکی به من تقدیم کرد. این استاد زبان و ادبیات فارسی در ادامه با اشاره به جایگاه زبان فارسی در جهان افزود: از نظر تاریخی و از نظر فرهنگی در دنیا چهار زبان فارسی، یونانی، ایتالیایی و انگلیسی مهم‌ترین زبان‌اند. البته هرکدام دلیل دارد. زبان فارسی به علت شاهنامه، زبان ایتالیایی به علت کمدی الهی دانته و زبان یونانی به علت بودن ایلیاد و هومر و زبان انگلیسی به علت مجموعه آثار شکسپیر. این چهار زبان یادگار شکوهمند نبوغ بشری هستند و ما خوشحالیم که یکی از این چهار زبان تاریخی مهم، زبان فارسی است.

این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در ادامه افزود: یکی دیگر از جهات اهمیت زبان فارسی این است که از نظر تاریخی پدر و مادر دارد و بسیاری از زبان‌ها معلوم نیست پدرشان کیست، مادرشان کیست و در گذشته چه زبانی بوده‌اند. در ادامه مراسم دکتر حمید احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران اظهار کرد: هجماه‌ای که به آذربایجان می‌شود، بسیار گسترده و در ابعاد گوناگون است و بازیگران بسیار قدرتمند بیرونی که عمدتاً دارای توان مالی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی بسیار گسترده‌ای هستند و به جعلیات در هویت آذربایجان مشغول‌اند، آنها اجازه چاپ چنین نشریاتی را نمی‌دهند. من چون این مسائل را دنبال می‌کنم، می‌دانم خیلی از نشریات در صحنه تیریز، ارومیه، اردبیل و در تهران، آمدند ولی به دلیل مشکلات مالی و فشارهای این‌چنینی از درون و گاه از بیرون متوقف شدند. این است که انتشار وطن‌یولی کار بسیار سختی بود و آقای دشتبانی واقعا زحمات زیادی کشیدند.

این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران افزود: نظریه‌پردازان ملی‌گرایبی ایرانی یا ناسیونالیسم یا هویت ایرانی، اکثرا آذربایجانی هستند. تعداد کمی استثنا مانند میرزاآقاخان کرمانی پیدا می‌شود ولی اکثرا آذربایجانی هستند.

علی اشرف صادقی، عضو بیوسه فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به ریشه نام آذربایجان اظهار کرد: آذربایجان از دوره باستان جزء لاینفک کشور شاهنشاهی ایران بود که البته آن ایران تاریخی تا خارج از مرزهای کنونی ایران از یک طرف تا کوه‌های ماورای قفقاز، از طرف دیگر تا جیحون و از طرف دیگر تا دجله و فرات کشیده شده بود. اشکانیان اهل خراسان کنونی بودند که در آن زمان در دوره هخامنشی اسمش پهل‌ه بود. در کتیبه داریوش پرفره که بعد شده پهل‌ه و صفت نسبی این کلمه پهلوی است و پهلوانی و کلمه پهلوان هم از همین‌جاست. چون واقعا سرداران اشکانی پهلوانانی بودند که رومی‌ها را به ستوه درآورده بودند. بیزانسی‌ها که در ترکیه کنونی بودند و ترک‌هایی که در قرن نهم از شرق وارد ایران شدند و به‌تدریج به آسیای صغیر کوچ کردند و بالاخره قسطنطنیه یا استانبول

فعلی را فتح کردند و امپراتوری بیزانس منقرض شد و زبان آنجا که بخش عمده‌ای یونانی بود و بخشی لاتینی به‌تدریج عقب‌نشینی کرد و ترکی جای آن را گرفت. بعد نام پهل‌و که گفتیم نام قدیم خراسان باشد، از کرکان فعلی تا مرو که آن‌سوی مرز قرار دارد و اکنون در جمهوری ترکمنستان است و تا زمان ناصرالدین‌شاه جزء ایران بود و در آن زمان جدا کردند. این منطقه اسمش پهل‌ه بوده است، بعد به‌تدریج نام پهل‌ه به غرب ایران، به آن منطقه‌ای که ماد نام داشته تسری پیدا می‌کند و نام ماد فراموش می‌شود. می‌دانیم که این عادت بد متأسفانه در ایران بوده است که هر سلسله‌ای که می‌آمد و به سلطنت می‌رسید، سعی می‌کرد آثار پیشینیان خودش را از بین ببرد. از مادها هیچ نوشته‌ای امروز نداریم جز از راه کتیبه‌های آشوری و از راه نوشته‌های میانی که اطلاعاتی از این زبان داریم. می‌دانیم که یک مقداری از کلمات قرضی‌اش هم در زبان فارسی باستان در دوره هخامنشی وارد شده است. برای پهل‌ه در اصطلاح جغرافی‌نویسان اسلامی مثل اسطخری، مقدّسی و ابن‌حوقل و دیگران همدان، آذربایجان، اصفهان، ری، قم، قزوین و این شهرها را نام می‌برند.

علی اشرف صادقی با اشاره به نام‌گذاری اشتباه شمال رود ارس به جمهوری آذربایجان افزود: از ۱۹۱۸ که مساواتی‌ها آنجا دست‌انداختند، از همان زمان به فکر جعلیات تاریخ افتادند. دائم آنجا را که قسمت‌های جنوبی‌اش از دوره اشکانی به بعد اران بود و قسمت بالاترش شیروان یا شروان بود.

او در ادامه افزود: آق‌قویونلوها و قراقویونلوها که دو سلسله ترک‌زبان بودند، وقتی که آنجا مسلط شدند، بعد رفتند اران و شروان را هم گرفتند و سپاهیان‌شان به‌تدریج آنجا مستقر شدند و به‌تدریج زبان آن منطقه ترکی شد، درحالی‌که هنوز روستاهایی آنجا اطراف باکو هست که به زبان تاتی یعنی زبان قدیم آن منطقه صحبت می‌کنند و مخصوصاً یهودیان آن منطقه همه زبان‌شان تاتی است. تاتی کلمه ترکی است که ترک‌ها به غیرترک‌زبان‌های منطقه می‌گفتند، به‌رحال در قرن نهم بدری شروانی می‌نالد که قراقویونلوها و آق‌قویونلوها



عکس: نورسا حدیجان

می‌پرسند چرا این کار را کردی، می‌گوید خواستم قلمرو کشور ایران را نشان بدهم که مقدر وسیع است. می‌گویند روزی ملکشاه سلجوقی به خواجه می‌گوید اگر خواهی فرماید تا دوات از پیش تو بگیریم. دوات نماد نظارت و کتابت بوده، با این قلم و دوات اداره می‌کردند. خواجه نظام‌الملک هم می‌گوید دولت این تاج به این دوات بسته است. اگر این دوات برداری آن تاج برداشته شود. چنین وزیر دانشمند و قدرتمندی داشتند. نام‌های دیگری هم در منطقه آذربایجان قبل از قرن دهم داریم که همه نام‌هایی ایرانی است. خود تبریز، خود اردبیل، اردبیل جزء اولش ارده است که شده ارد؛ یعنی مقدس است و نام قدیم‌ترش اردبیت بوده یا دال و بعد دال خیلی مواقع به لام بدل شده و مراغه که البته کلمه عربی است، اسم قدیمش یک اسم ایرانی است. منطقه دیگری اینجا بود نیمزراه، که نیمزراه در ارتباط با آتشکده آذرگشنسب این نام را گرفته است و بعد زنگان معرب زنگان است. در شعر نظامی با همین تلفظ به کار رفته است. البته بعد از اینکه ترک‌ها آنجا مسلط شدند و بعد از قرن نهم مقداری نام‌های آبادی‌ها البته ترکی شده است که آن‌هم کسی منکر نیست، الان هست.

غرض من این بود که این جعلیاتی که این بدخواهان ایران دارند و آنها جوانان مطالعه‌نکرده و تاریخ‌ندان ما را به آنها گمراه می‌کنند، بدانند که از زمان هخامنشیان تا این زمان اینجا جزء لاینفک ایران بوده است و دانشمندان بزرگ و شعرای بزرگ از این منطقه برخاستند و آقای دکتر احمدی گفتند در برخی روایات زرتشت را هم اهل آذربایجان می‌دانند که بعد به شرق ایران و نزد گشتاسب رفته است.

مسعود عرفانیان، آخرین سخنران این مراسم، مقاله خود را با نام «از وطن یولندای بیگانگان تا وطن یولی خودمان» قرائت کرد.

آمدند وطن من را ویران کردند. معلوم می‌شود زبان ترکی آنجا رایج نبوده و زبان فارسی بوده است و زبان پهلوی هم شاید در مناطق روستایی و دورافتاده از شهرهای بزرگ بوده است. وی در بخشی دیگر از سخنانش افزود: در دوره اسلامی در یک زمانی فلسفه و کلام از شهرهای داخلی ایران به تبریز منتقل شد و به مراغه و بسیاری از آثاری که ما امروز به دست داریم، در این زمینه‌ها در آن منطقه نوشته شده که یکی‌اش همین سفینه تبریز است که عرض کردم. کتاب دیگری باز مرکز نشر دانشگاهی چاپ کرد و کتابی است که در مراغه نوشته شده و از همین کتاب‌های فلسفی و عرفانی است و رسالات متعدد دیگری هم داریم. در زمان مغول‌ها غازان‌خان و فرزندان‌ش در آنجا سکنا داشتند و بعد فرزندان‌شان امارت داشتند و حکومت می‌کردند. دو تا وزیر ما داریم از وزرای بسیار برجسته و بسیار دانشمند ایرانی یکی خواجه نصیرالدین طوسی صاحب آن‌همه آثار در ریاضیات و منطق و فلسفه و وزیر هلاکوخان بوده است، چون مغول‌ها که فقط شمشیرزن بودند، کشور را باید اهل فرهنگ اداره کند. همیشه این‌طور بوده است. یک وزیر دیگر هم خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی صاحب کتاب بزرگ جامع‌التواریخ است و رسالات متعددی که الان نشر میراث مکتوب سیزده جلد از جامع‌التواریخش را در تهران چاپ کرده است. این‌هم وزیر غازان‌خان بوده، البته غازان‌خان ناجوانمردی کرد و او را کشت و حتی پسرش را هم شهید کرد.

این استاد دانشگاه در بخشی دیگر از سخنانش گفت: قلمرو کشور ایران در آن زمان از کاشغر در ترکستان چین تا لب دریای مدیترانه بوده و معروف است که خواجه نظام‌الملک می‌خواسته یک طلبی به کسی بدهد، او از آن مناطق شرقی بوده، خواجه حواله‌اش را به آن طرف ایران می‌دهد و

ریمونندویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran